

ایوان تخت مرمر (۲)

بجی ذکاء

بازمانده از شماره چهارم

وجشنها و سلام‌های رسمی و غیره از ایوان تخت استفاده میکرده‌اند ولی متأسفانه تاریخ نویسان در ثبت و ضبط وقایع آن عهد از مکان و محل برقراری سلامها و مراسم سلطنتی بهیچ وجه اسمی نبرده‌اند.

میدانیم که آغا محمدخان تا سال ۱۲۱۰ هـ. ق. یعنی یکسال و اندی پیش از کشته شدنش تا کشور خود را امنیت نبخشیده، مدعیان سلطنت را از میان نبرد، تاج شاهی بر سر نهاد تا جاییکه بالاخره بزرگان کشور مصراً از او خواستند که رسماً تاج گذاری کرده بر تخت سلطنت جلوس نماید.

مؤلف ناسخ التواریخ در این مورد نوشته است که «... بسیار وقت صنایع درگاه و قواد سپاه، خواستار همی بودند که شهریار، تارک مبارک را بتاج پادشاهی زیب دهد و چاربالش سلطانی را بر زبر تخت کیانی نهد، پادشاه سخن آن جماعت را وقتی نمی‌نهاد و ملتس ایشان را پذیرفتار نمی‌گشت،

۱ - آقای محمدحسن تاجبخش (سالار همایون) معتقد است که در سال ۱۱۹۳ هـ. ق. که آغا محمدخان در حوالی تهران بود، میرزا محمدخان دولو، ایلخانی ایل قاجار در دوازدهم ربیع الاول همان سال در شهر ورامین تاجی را که بدست یک زرگر ایرانی ساخته شده بود، در زیر چنار سوخته سعدآباد ورامین، بر سر آغا محمدخان گذاشت و بهمین مناسبت خاندان او به «تاجبخش» معروف گشت و سپس این تاج را که از مناسبت تاجگذاری دوم رشته‌های مروارید و دانه‌های جواهر نصب کرده یوده‌اند - به اصفهان فرستادند تا مینا کاری شد و اینک در موزه سلطنتی کاخ گلستان محفوظ است. گرچه بعضی از مورخین جلوس آغا محمدخان را در سال ۱۱۹۳ هـ. ق. متذکر شده‌اند ولی هیچ‌یک از آنان داستان تاج گذاری را در ورامین یادآوری نکرده‌اند و با نظر نویسنده این مقاله نرسیده است.

در قسمت اول این مقاله از نوشته‌های

ایوان تخت مورخین و قرائن و شواهد چنین بدست آمد که اساس ایوان دارالاماره تهران در زمان آغا محمدخان در داخل ارك دولتی در زمان کریمخان زند و با مر او برپاگشته است ولی مسلم است که وضع ظاهر بنای کنونی ایوان تخت مرمر آن نیست که در عهد وکیل‌الرعایا بوده است، زیرا با گذشت سالها و تغییرات زمان هر یک از سلاطین قاجار بنابه ذوق و سلیقه عهد و عصر خود، اندک اندک تغییراتی در آن داده‌اند تا بوضع و صورت کنونی درآمده است.

بناباشارات تاریخی، اولین تغییراتی که در ساختمان ایوان دارالاماره شاه‌زند داده شده، در زمان آغا محمدخان بوده است، بدین معنی که پس از حمل ستونهای سنگی بلند یک پارچه و مرمرها و آیینها و درها و پرده‌های نقاشی‌قصر و کیل، از شیراز به تهران و نصب آنها در ایوان مزبور، ناچار در وضع بنا نیز مختصر تغییری دادند و سقف آنرا بتناسب ارتفاع ستونها بالا برده، همچنین برای کار گذاشتن درهای خاتم در جای متناسب و نصب آیینها و پرده‌های نقاشی، بعضی از طاقچه‌ها و طاقماها را پر کردند.

متأسفانه، ما از وضع اصلی ایوان - قبل از تغییرات عهد آغا محمدخان - اطلاع صحیح و دقیقی در دست نداریم و محققاً نمیدانیم که وضع اولیه ایوان وکیل به چه صورتی بوده است، ولی این موضوع مسلم و محقق است که در دوره‌های بعد، تغییرات مداومی در ظاهر و تزیینات آن داده شده است. گرچه تا اندازه‌ی معلوم است که در زمان آغا محمدخان در موارد و مواقع مختلف از قبیل برگزاری مراسم و اعیاد

و بایادی متکاوره و خلاع فاخره مفتخر و مباهی گشتند .
چنانکه مشاهده میگردد ، باینکه مورخ مزبور ،
داستان تاج گذاری را با شرح و بسط تمام سروده و دقایق آنرا
معین کرده است ولی باین همه ، محل تاج گذاری و جلوس را
متعرض نشده است و بنا برین دانسته نیست که آیا این مراسم
طبق معمول در ایوان دارالاماره (تخت مرمر) بوده یا در جای
دیگر .

پس از کشته شدن آغامحمدخان در
فتحعلی شاه شب ۲۱ ذی الحجه ۱۲۱۱ ه . ق . در پای
قلعه «شوشه» در قفقاز ، باباخان برادرزاده
ایوان تخت مرمر او از شیراز به تهران آمده بنام فتحعلی شاه
زمام سلطنت ایران را در دست گرفت .
فتحعلی شاه بر عکس عم خود آغا محمدخان - که شخصی
بیباک و مقتدر و در عین حال مقتصد بود و همچون کریم خان زند
باسادگی و قناعت و بدون تشریفات زندگانی میکرد - مردی
بود که کودکوار از زرق و برق طلاآلات و جواهرات و جلال
و شکوه و صلهها و ادوات سلطنتی بسیار خوشش می آمد و لذت
می برد و نیز مراسم پرطمطراق و تشریفات مجلل و پرطول
و تفصیل درباری را بسیار دوست میداشت و خود نیز پی در پی
بر آداب و رسوم آن هر چه بیشتر می افزود .



آغا محمدخان قاجار (۱۲۱۱ - ۱۱۹۴ ه . ق)

او بسیار مایل بود که همچون سلاطین و شاهنشاهان مقتدر
و معروف ایران قدیم ، چنانکه در شاهنامه و کتابهای تاریخ
خوانده بود ، درباری باشکوه تشکیل داده ، بر تخت عاج
و فیروزه و آنوس گوه نشان تکیه زده ، تاج کیانی بر سر نهاده ،
تن و بر خود را بجواهر گرانبها و رنگارنگ آرایش دهد و باین
طریق نه تنها شکوه و عظمت و ثروت و مکتب دربار خود را برخ
دیگران بکشد بلکه عدم عزم و اراده و اقتدار واقعی خود را نیز
با این نمایش های کودکانه مخفی و پوشیده دارد . بنا برین وجود
چنین ساختمان و ایوانی با وضع و آرایش های متقارن و شکوهمند
وزرنگاریها و آئینهها و تزیینات و شیشه های رنگارنگ ، بارو حیه
و طبع فتحعلی شاه بسیار موافق افتاده ، در آرایش و تجلیل محل
مزبور بیش از پیش کوشید . و چنانکه تواریخ آن دوره گواهند ،
دائماً بعنوان های مختلف از قبیل برقراری مراسم نوروز و سایر
اعیاد و پذیرفتن سفرا و فرستادگان کشورهای خارجه ، یا صدور
فرمانهای مهم یا قصاص مجرمین و مخالفین سلطنت خود ،
جامه های زری رنگارنگ می پوشید ، تاج بر سر مینهاد ،
جواهرات گوناگون بر خود می بست و سایر وصله های سلطنتی
از گرز و سپر و شمشیر و تیرو کمان و تنگ و گلدان جواهر نشان
را بدست پسران و اطرافیان خود میداد تا بر گرد تخت مرصع
او که در وسط ایوان نهاده بود ، حلقه زند و در حالیکه
شهرها و ایالات زرخیز شمال غربی ایران را یک بیگ بدست
دشمن سپرده ، از ضعف و بی ارادگی و لثامت و پول دوستی به عقد

همانا در ضمیر داشت که در تمامت ممالک ایران ، چندانکه یک
تن از در نافرمانی تواند بیرون شد و اندیشه مخالفت تواند
در خاطر گرفت ، سر را بحمل تاج ، گران نکند و بر تخت تکیه
نزند . این وقت که بر مراد دست یافت و آرزو در کنار گرفت ،
مسئول بندگان درگاه را با جابت مقرون داشت ، حکم رفت
تا صنایع و شناختگان تمامت ایران در طهران حاضر شوند
و ساعتی نیکو اختیار ساخت ، آنگاه تاج کیانی را که بجواهر
بحار و جبال زینت ترصیع داشت بفرق فرقدان شاهی بنهاد
و بازوبند دریای نور و تاجماه را که رفیق آرزوی هیچ پادشاه
نبود بر بازوی جهانگشای بست و رشته های لآلی منضود را که
هر یک بیضه عصفوری یا بندقه کافوری می نمود از زمین و شمال
کتف و یال در آویخت و شمشیر جهانگشا که از زبان مارگرزه
و دندان شیرشزه بکارتر بود بر میان بست و بر تخت گوه را گین
بشریعت ملوک پیشین زمان و سنت سلاطین باستان برنشست ،
بزرگان ایران و اعیان اخصار و بندگان و خاصان درگاه و سرهنگان
سپاه از دوسوی صف برکشیدند و تحیت و تهنیت فرستادند

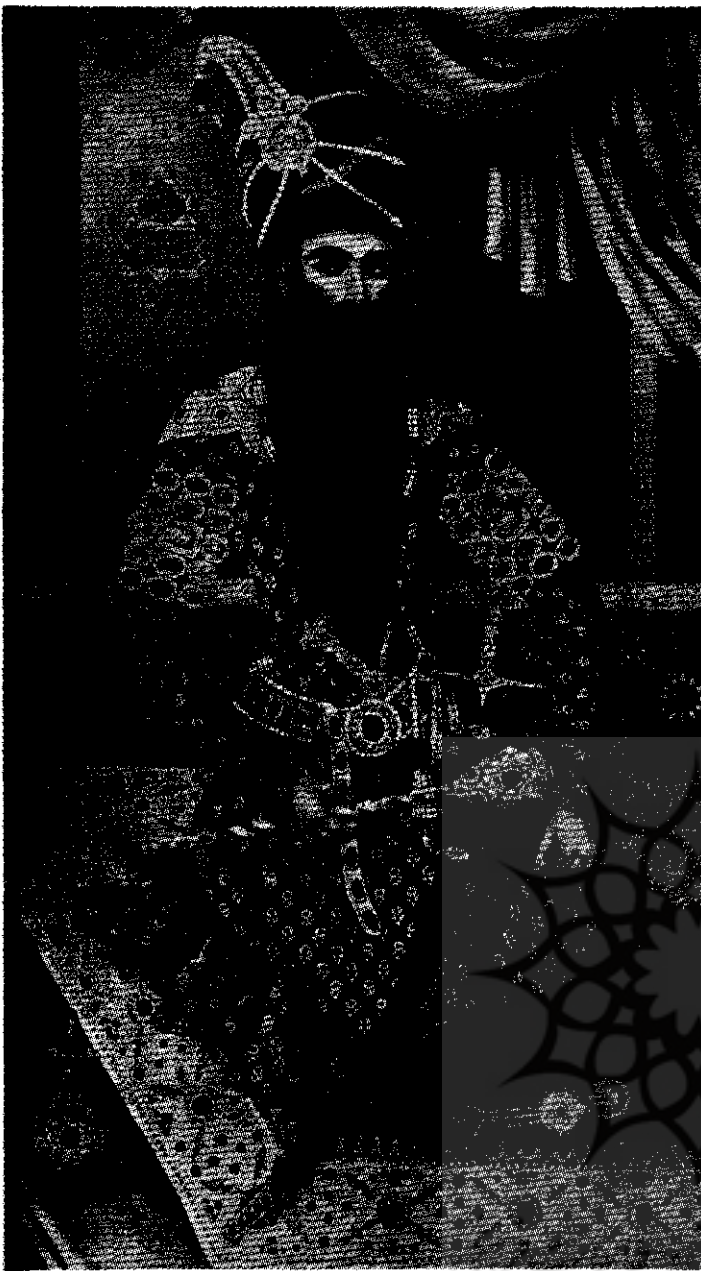
عهدنامه‌های ننگینی تن درمیداد ، خود را با این بازیهای کودکانه فریفته ، دل خوش میداشت .

گویا در زمان فتحعلی‌شاه در وضع ایوان ، تغییرات عمده‌یی بوقوع نیبوست و فقط طاقچه‌ها وطاقنماها و درگاهها و ازاره‌های دوطاق گوشواره و خود ایوان و غلام‌گردشهای طبقه دوم دوسوی ایوان را زرتنگار ساخته باصورت سلاطین و زنان و مردان جوان و زیبای فرنگی آراستند و در ازاره اطاقهای جنبی ، قصایدی را که در مدح فتحعلی‌شاه سروده شده بود گچ‌بری و رنگ‌آمیزی کردند .

از اتفاقات تاریخی که در همان سال اول سلطنت فتحعلی‌شاه در برابر این ایوان بوقوع پیوست ، کور کردن علی‌قلی‌خان قاجار برادر خود فتحعلی‌شاه بود که بیمی از او در دل داشت و میخواست دست او را از کارهای دنیا کوتاه کند. هدایت در این باره می‌نویسد : « . . . روز دیگر در ایوان دارالاماره برمسند جلوس جای گرفت . . . پس فرمود تا صعود بایوان کند ، چون علی‌قلی‌خان راه بگردانید که از باب ایوان داخل شود ، از پس در ، او را بدیگر جای بردند و از هر دو چشم نابینا ساختند . . . » همچنین در سال ۱۲۱۷ ه . ق . نادر میرزا پسر شاه‌رخ افشار را که مدعی سلطنت بود - و گردن میرزا مهدی مجتهد مشهد را که باعث شکست قوای افشاریه و ورود آغا محمدخان به مشهد گردید ، در حرم رضوی با تبر زین زده بود - گرفتار ساخته سوار بر الاغ وارد مشهد کرده ، با غل و زنجیر روانه تهرانش نموده بودند ، در جلو همین ایوان بحضور فتحعلی‌شاه آوردند . فتحعلی‌شاه در ظاهر بی‌هانه خونخواهی مجتهد مزبور ولی در باطن برای از بین بردن آخرین بازمانده نادرشاه افشار و مدعیان سلطنت ، دستور داد تا او را بکشند .

در سال ۱۲۱۹ ه . ق . مهر علی نقاشباشی دربار فتحعلی‌شاه دو تابلو بزرگ تمام قد از فتحعلی‌شاه نقاشی کرده که یکی در حال جلوس بر روی صندلی مرصع و دیگری بحال نشسته بر روی سجاده مروارید دوزی است و هر دو بتناسب نخستین طاقنماهای سمت چپ و راست ایوان ساخته شده و بجای پرده‌های قبلی که گویا مجلس شکار و غیره بود نصب گردید .

چون در این سالها برای برگزاری مراسم در برابر ایوان تخت ، برای جلوس شاه از تخت طاووس که در سال ۱۲۱۶ ه . ق . در اصفهان بدست زرگران ماهر آن زمان ساخته شده بود استفاده میکردند و بالطبع حراست و حمل و نقل و باز کردن و بستن پی‌درپی تخت مذکور باعث اشکال میگردد و از طرف دیگر بعلت محفوظ نبودن ایوان تخت ، امکان نداشت که تخت جواهر نشان را برای همیشه در آنجا مستقر دارند ، از اینرو زمانی پیش از ۱۲۲۱ ه . ق . (و شاید بسال ۱۲۱۹ ه . ق .) فتحعلی‌شاه به حجاران و سنگتراشان معروف اصفهان - که در آن هنگام شهر هنری و صنعتی درجه اول ایران بود و استادان



فتحعلی‌شاه با شال کلاه و جقه - این تابلو که اصل آن در کتابخانه دیوان هند لندن است در سال ۱۲۱۴ ه . ق . بوسیله میرزا بابا نقاشباشی ، اوایل عهد فتحعلی‌شاه کشیده شده است

بزرگ در هر رشته از فنون و صنایع در آنجا جمع بودند - امر کرد که تختی از سنگ مرمر زرد معادن یزد برای جلوس قبله عالم بسازند تا همیشه در وسط ایوان نصب و برقرار گردد . برای ساختن و حجاری تخت خاقان ، استاد محمد ابراهیم اصفهانی حجاریباشی آن زمان انتخاب گردید و او پس از طرح ریزی شکل تخت ، عده‌یی از حجاران استاد از جمله : استاد محمد حسین ، استاد محمد باقر ، استاد مرتضی ، استاد غلامعلی

را بدستپاری خود خوانده ، باكمك آنان تخت مرمر را ساخته و آماده گردانید .

چون این افسانه درمیان ایرانیان معروفست که سلیمان نبی ، پادشاه یهود دارای اقتدار فوق العاده‌یی بوده ، درباری باشکوه داشته است (وبهمین علت هم درایران هر بنا و ساختمان عظیمی بوده باو نسبت داده شده است مانند ، مسجد سلیمان ، تخت سلیمان ، قبرمادرسلیمان ،) ازجمله اشیاء عجیب و غریبی که داشته تختی بوده که بهنگام ضرورت ، دیوان و پریان آنرا بر روی دوش خود گرفته درآسمانها بر روی ابرها حرکت داده درهرجا که سلیمان اراده میکرد فرود می‌آوردند ، ازاینرو بمناسبت افسانه مزبور وتشبیه فتحعلی‌شاه دراقتدار وثروت وشوكت به سلیمان ، این تخت را «تخت سلیمانی» نامیدند ومطابق توصیف افسانه واعتقادی که داشتند آنرا بردوش دیوان وپریان قرار دادند .

همچنین ازفتحعلی‌خان صبا ملك الشعرای دربارفتحعلی‌شاه خواستند که قصیده‌یی درمدح شاه یا «سلیمان زمان» سروده ضمناً ماده تاریخ تخت را نیز درآن بگنجانند .

فتحعلی‌خان صبا ، قصیده‌یی در ۱۷ بیت یعنی متناسب باترنج‌های داخل وخارج طارمیهای تخت سروده درآخرین مصرع آن نام وتاریخ اتمام ساخت تخت (۱۲۲۱ ه . ق .)

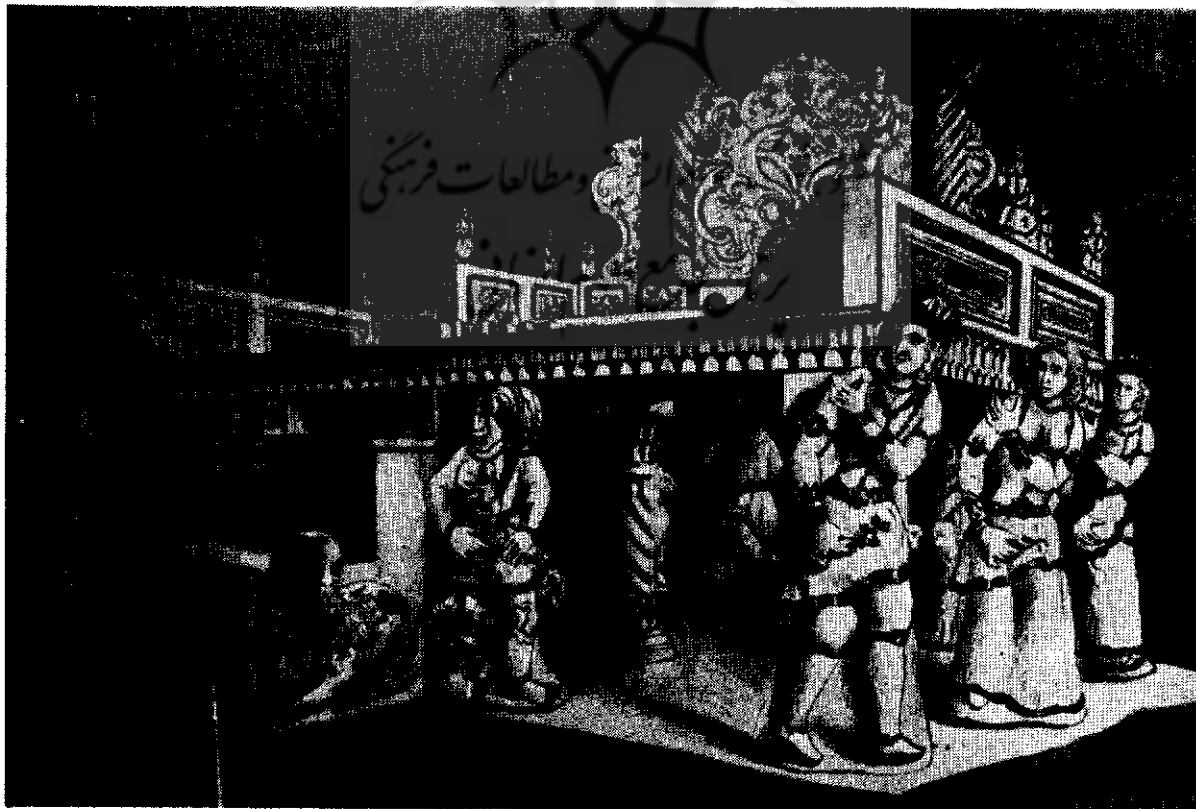
را بحساب جمل قید کرد .

هر يك از مصرع‌های قصیده مدحیه را در داخل ترنجی بخط نستعلیق بسیار خوش نوشته برجسته‌کاری کردند و سپس تمام خطوط وسایر قسمت‌های برجسته تخت را با آب طلاي اشرفی تزیین نموده برای نصب در ایوان آماده ساختند و چون ما شرح جزئیات این تخت را در ضمن تشریح سایر آثار ایوان بتفصیل بیان خواهیم کرد ازاینرو در اینجا باین مختصر اكتفا کرده ذکر بقیه مطلب را ، بجای خود می‌گذاریم .

۱- لرد کرزن در کتاب خود بنام "Persia and the Persian Question"

ج ۱ ص ۳۱۳ ، این تخت را به کریمخان زند منسوب داشته می‌نویسد که آن را در زمان کریمخان زند در شیراز در تالار قصر وکیل که سپس محل تلگرافخانه هند و اروپائی گشت ، گذاشته بودند که سپس توسط آغامحمدخان به تهران انتقال داده شد . و گویا آقای مجتبی مینوی نیز به تبعیت از او بوده که در ص ۱۶۵ کتاب «وضع ملت ودولت و دربار دردوره شاهنشاهی ساسانیان» آنرا «تخت مرمر کریمخانی» نامیده است . ولی بشهادت اشعار دورتخت و اینکه جز کتاب کرزن در جای دیگر این تخت به کریمخان نسبت داده نشده است ، شکی باقی نمی‌ماند که این تخت مسلماً در ۱۲۲۱ ه . ق . بدستور فتحعلی‌شاه ساخته شده واصلاً در زمان کریمخان وجود خارجی نداشته است .

این تابلو توسط ژول لورنس در سال ۱۸۴۸ م . (۱۳۶۵ ه . ق) از تخت مرمر نقاشی شده واصل آن در هنرستان هنرهای زیبای پاریس است



سن بطرزبورگ واینه وقصور مهمه‌بی که در آن نواحی واقع است مزین بود^۱.

۳ - يك جفت گلدان چینی بسیار قشنگ که از شاهکارهای صنعتی بشمار میرفت .

۴ - يك قاب بلور تراش خیلی بزرگ بطول يك ارشین ونیم .

۵ - مقداری قلیان بلور .

۶ - آینه بزرگی که دوفرشته برتری جار بدست بدان متصل بود .

۷ - يك دستگاه اسباب برك و آرایش زنانه که بشکل هرم ساخته شده وظاهراً آنرا با انواع چوبهایی که در خاک روسیه یافت میشود پوشانیده و بالوان طبیعی خود جلوه داده بودند . کار آن از نظر صنعت در نهایت ظرافت و استادی انجام گرفته بود و در داخل آن قوه محرکه‌بی قرار داده بودند که خود ابریشم را رشته یا می‌بافت .

۸ - ساعتی بشکل فیل که خرطوم و چشم و گوشش در موقع کار حرکت میکرد ، بعلاوه پایه آن دورنمای متحرکی داشت که با جبار کریمه زینت شده بود^۲ .

۹ - مقداری تفنگ و تپانچه و قداره که هر يك از بهترین کارهای کارخانه اسلحه سازی «تولا» بشمار میرفت .

۱۰ - دو آینه متصل بهم بطول پنج ارشین .

۱۱ - يك قلیان طلا .

۱۲ - سه کارد که دسته آنها بالماس برلیان زینت شده بود .

۱ - ظروف مورد بحث فوق اینک در قفسه‌های موزه سلطنتی گلستان محفوظ است .

۲ - عبدالرزاق بيك دنبلی در تاریخ «مآثر سلطانیه» در مورد هدایای شماره ۷ و ۳ و ۹ می‌نویسد: «... از آن جمله يك زنجیر فیل بود که بجزب دستی زرگران سامری صنعت روس از طلای اخمر ساخته و بشکل بدیع پرداخته بودند ، و حوضی بلور و موازی دوجام آینه گیتی‌نمای که در طول دو ذرع ونیم بود با سایر تحف و هدایا ...» .

در روضه‌الصفای ناصری جلد نهم می‌نویسد: «از جمله هدایای شاهانه پیل و هودجی از زر احمر بود که استادان صاحب صناعت بدایع نگار در جانب یسار آن ترکیب ساعتی بکار برده بودند که چون با کلید آنرا كوك كردندی اعضا و جوارح ژنده پیل زرین بمانند پیل زنده متحرك ، اظهار حرکت طبیعی نمودی و اجزای آن ب حرکت قشری در جنبش بودی و نغمات دلکش و مقامات خوش از جوف آن برآمدی و بر دیده بینندگان و گوش نیوشندگان آن حرکات و اهتزاز و نغمات و آواز جلوات وافر کردی و نیز از جمله تحف سه قطعه آینه صاف شفاف آصفی از صرح مشرّف بود که هر يك را طول دو ذرع ونیم و افزون از يك ذرع عرض و ثخن آن از چهار يك ذراعی کمتر بود ... و بر حسب امر اعلی دوقطعه آن مرآت را در جدار دیوانخانه خاصه طهران که محل جلوس حضرت خاقان بود نصب کردند و دیگری با قاب و اسباب زرین و سیمین در شاه نشین عمارت بلور باغ مشهور بگلستان بنهادند و بیکر پیل زرین را نیز در قافونوسی از آینه لطیف محفوظ داشته در پایان مسند بگذاشتند» .

شدید و عفونت هوا و بروز امراض مختلف از جمله بیماری مسری و خطرناك وبا تاحدی غیر قابل سکونت و زندگانی میگردد از اینرو اکثر اهالی شهر برای فرار از گرما و حفظ جان خود و بستگانشان از بیماریها ، راه دهات و قصبات خوش آب و هوا و خنك اطراف تهران را در پیش میگرفتند ، فتحعلی شاه نیز با حرم و دم و دستگاه بسیار مفصل خود همراه با درباریان و وزراء و رجال و لشگریان و حتی فیلها ، بنایك رسم بسیار قدیمی و بعلت نبودن مراتع وسیع در اطراف تهران به چمن سلطانیه نزدیک زنجان حرکت میکرد . این ناحیه از زنجان بعلت داشتن آب و هوای خنك و سالم و وجود مراتع وسیع و همچنین چند قصر كوچك در اطراف مقبره و گنبد سلطان محمد خدابنده العجایتو ، برای اطراق و نصب خیمه و خرگاه اردوی خاقان بسیار مناسب بود و اردو و شاه تاهنگامیکه مراتع و چمن‌های آنجا اغنام و احشام و ایلخی اسبان را تكافو میکرد ، در آنجا میماندند و چون علف رو با تمام میگذاشت راه اصفهان یا همدان و تبریز را در پیش میگرفتند .

در تابستان سال ۱۲۳۲ ه . ق . که بنا بر معمول سنواتی ، فتحعلی شاه در چمن سلطانیه اردو زده بود ، ژنرال لیوتنان الکسیس پتروویچ یرمولوف Iermolof که بجای فرمانده کل قوای گرجستان نصب شده بود ، بعنوان سفیر کبیر ، از طرف الکساندر اول امپراتور روسیه ، مأموریت یافت که بدربار فتحعلی شاه آمده عهدنامه دائمی بین ایران و روسیه را امضاء کرده سرحدات گرجستان را معلوم سازد .

ژنرال مزبور علاوه بر این از جانب امپراتور حامل مقداری هدایای گرانبها برای شاه و شاهزادگان و نیز از جانب امپراتریس حامل هدایائی برای زنان شاه بود .

یرمولوف در سلخ جمادی الاولی ۱۲۳۲ ه . ق . مطابق هفدهم آوریل ۱۸۱۷ میلادی بسوی ایران رهسپار گشت و چون بسلطانیه رسید فتحعلی شاه دو بار او را بحضور پذیرفت .

بار اول در هفدهم رمضان ۱۲۳۲ ه . ق . بود که بمذاکرات سیاسی و شرایط اجرای عهدنامه گلستان گذشت و بار دوم در بیستم رمضان و روز تعطیل بود و در آن روز هدایا را که دیرتر از خود سفیر رسیده بود از نظر شاه گذرانید .

مورخین ایرانی فهرست هدایای الکساندر اول به فتحعلی شاه را بطور کامل ننوشته‌اند ولی موریس دوکتر بو که از همراهان ژنرال یرمولوف بوده و سفرنامه‌یی از سفر خود بایران پرداخته ، فهرست آنها را در کتاب خود چنین آورده است :

۱ - يك دست ظروف بلور تراش .

۲ - يك دست ظرف چینی کار سن بطرزبورگ که در آنها صور اشخاص بالسه مختلفه ممالکی که بادولت روسیه روابط صمیمانه دارند نقاشی شده بود و قسمتی از آن بدورنماهای اطراف

۱۳- يك جای توتون یا تریاکدان مرصع . (انفیه‌دان)

۱۴- مقدار زیادی انگشتر والنگو وساعت .

۱۵- دوطاقه پوست سمور سبیری .

۱۶- سه جیفه الماس از شاهکارهای جواهرسازی دربار

سلطنتی روسیه .

۱۷- دو دوربین آسمانی مرصع .

آنچه از این هدایا نصیب ایوان تخت مرمر گردید، دو قطعه آئینه بدن‌نمای بزرگ بود که بدستور فتحعلی‌شاه، آنها را در طرفین شاه‌نشین ایوان در قسمت فوقانی نصب کردند که هنوز هم در جای خود باقی هستند و آئینه سوم را چنانکه نوشته‌اند در شاه‌نشین عمارت بلور مشهور بگلستان گذاشتند .

سروان جورج کپل (Keppel) انگلیسی که در ۲۶ مه ۱۸۲۴ میلادی (۱۲۴۰ هـ . ق .) در تهران از ایوان تخت مرمر دیدن کرده در سفرنامه خود که بسال ۱۸۲۷ م . در لندن بچاپ رسیده است می‌نویسد :

«ما یکساعت از وقت خود را صرف تماشای دقیق قصر کردیم . دروازه (دروازه تقاره‌خانه که در قسمت جنوبی میدان ارک بوده و بوسیله پل‌چوبی از روی خندق به تهران قدیم متصل می‌شده است) رو به بیرون بمیدان وسیعی باز می‌شود (میدان شاه قدیم و میدان ارک فعلی) که در آن چندین عراده توپ باندازمه‌های مختلف قرار دارد . در وسط میدان يك توپ بزرگی هست که از لطفعلی‌خان آخرین پادشاه سلسله قبلی ایران گرفته شده است (گویا همان توپ مروارید است که سابقاً در میدان ارک بر روی سکویی قرار داشت و اینک در باشگاه افسران محفوظ است) .
درس در هر يك از چهار دروازه تصاویر بزرگی هست که از کاشی‌های لعابی و حقیقه بوضع عجیب و غریبی ساخته شده است .

در یکی از این تصاویر رستم هر کول ایرانی نقش شده که با دیوسفید - دیو معروف شاهنامه فردوسی - گلابز شده است (گویا منظور همان کاشی‌هایی است که در زمان اعلیحضرت فقید به بالای در میدان ورزشی امجدیه منتقل شد و اکنون معلوم نیست کجاست) .

این میدان هدایت می‌شود به حیاط دیگری (باغچه تخت مرمر) که در وسط آن حوضی قرار دارد و با درختان تبریزی احاطه شده است .

دیوان‌خانه در منتهی‌الیه این حیاط قرار گرفته و در ایوان آن تخت مرمر بزرگی هست که اعلیحضرت در مواقع فوق‌العاده بر روی آن جلوس می‌کند .

دیوار و روکوب بنا از زیباترین موزائیک‌ها ساخته شده است و در ایوان مقادیر کثیری شیشه‌های رنگارنگ تزیینی که شکل گلها را نشان می‌دهند، بکار برده شده است .

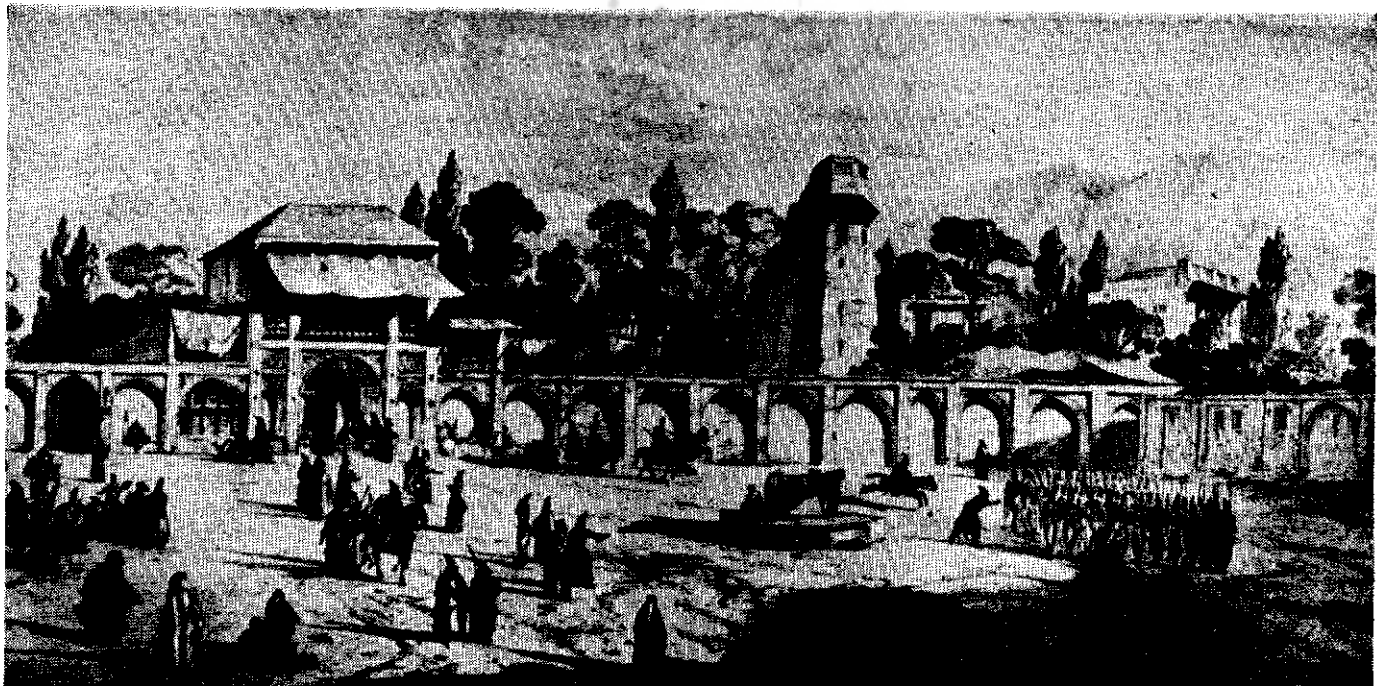
سقف این ایوان با آئینه‌هایی که بوسیله تزییناتی بشکل گل از هم جدا شده‌اند پوشیده شده است .

در هر یکی از اطاق‌نماها و طاقچه‌ها نقاشی‌هایی انجام گرفته : در یکی مجلس شکار در دیگری مجلس رزم ، در سومی صورت پادشاه ، اما آنچه مرا بیشتر از همه جلب کرد سبک نقاشی تصاویر کوچکتر بود .

یکی از پرده‌های نقاشی ، نادرشاه را نشان می‌دهد که تاج را به پادشاه هند پس از غلبه بر او ، باز می‌گرداند . در دست راست نادر گرز سلطنتی و در دست چپش تاج سلطنتی هند قرار دارد ولی نگاه او چنان غضب‌آلود است که بنظر میرسد پادشاه هند را بر زمین می‌خکوب کرده است .

دومین صحنه انوشیروان را نشان می‌دهد که یکی از خلفا یا ائمه (؟) Grand Singon را بار داده است ، اما نقاش

این تصویر میدان‌شاه قدیم را که سپس میدان ارک نامیده شد در سال ۱۴۵۶ هـ . ق نشان می‌دهد . در سمت چپ سردر حیاط تخت‌مرمر و در سمت راست برج کلاه‌فرنگی که زمان آغا محمدخان ساخته و در زمان ناصرالدین‌شاه ویران شده دیده می‌شود - نقاشی فلاندن



فراموش کرده است که انوشیروان پیش از حضرت محمد ص . فوت کرده و نمی‌تواند بایکی از اخلاف حضرت معاصر باشد .

تصویر سومی ، اسکندر مقدونی را در حالیکه به مباحثه افلاطون و ارسطو گوش فراداده است مجسم نموده ، پادشاه مقدونی به لباس جدید ایرانیان منس شده و دو فیلسوف بزرگ نیز در هیئت دو درویش معمولی نمایانده شده‌اند .

از نوشته این افسر انگلیسی راجع به ایوان تخت مرمر چنین بدست می‌آید که وضع نصب تابلوها در طاق‌نماهای ایوان در سال ۱۲۴۰ ه . ق . با امروز مختصری فرق داشته و در طرف راست مجلس شکار و جنگ و پرتره (از داخل بخارج) و در طرف چپ تابلو تاج‌بخشی نادر و انوشیروان و اسکندر نصب شده بوده .

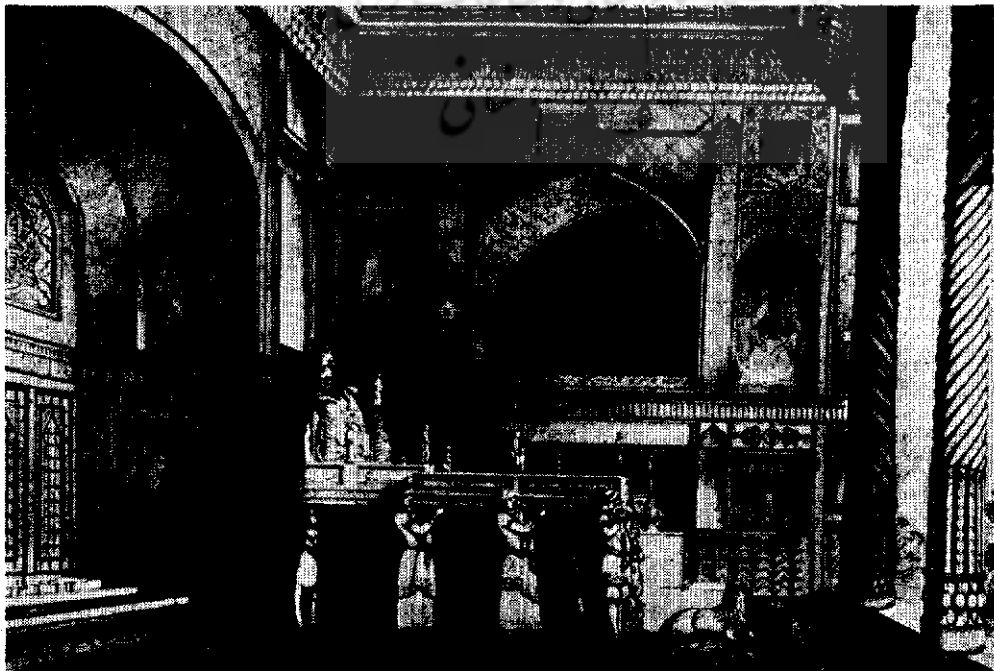
از این تابلوها اکنون تابلو مجلس شکار شاه اسماعیل و مجلس رزم نادر بایکن پاشا و پرتره فتحعلی شاه در جای خود موجود است ولی از تابلو اسکندر و انوشیروان و تاج‌بخشی نادر خبری نیست و بجای آنها پرده‌های نقاشی دیگری نصب شده است که بموقع خود شرح داده خواهند شد .

در دوران ۳۸ ساله سلطنت فتحعلی شاه ، اگر فصل و هوا مناسب و شاه در تهران بود ، اغلب مراسم سلام‌ها ، جشنها و اعیاد در همین ایوان تخت مرمر برگزار میگردید . و چنانکه پیش از این گفتیم تشریفات آن نیز در این زمان بسیار مفصل و متنوع بود . اینک برای اطلاع از رسومات آن عهد و طرز برگزاری جشن نوروز در دربار فتحعلی شاه ما شرح سلام خاص و سلام عام نوروز سال ۱۲۴۸ ه . ق . را از جلد نهم روضة‌الصفای ناصری عیناً با همان عبارات خود مورخ در اینجا نقل میکنیم تا در ضمن

مطالعه مطلب باسبک نگارش تاریخ نویسان قدیم نیز آشنا گردیم : «در سال ئیلان ئیل ترکی مطابق با سنه یک هزار و دو بیست

و چهل و هشت بعد از انقضای هفت ساعت و چهل و دو دقیقه از شب پنجمین ۲۸ شهرشوال که پادشاه انجم سپاه سریر چهارم به بیت الشرف حمل توجه کرد ، چنانکه رسم و آیین شاهان اقلیم چهارم ایران زمین است بسنت متداوله جمشید عجم بر اورنگ جم برآیند ، حضرت شاهنشاه فلک گاه ، خاقان صاحبقران اکبر ، که احسن و اجمل تمامی پادشاهان دهر بوده و در حشمت و شوکت و ازدیاد اسباب سلطنت و وفور فرزندان فرشته طلعت ، محسود سلاطین همه عالم گردیده در عمارت چهارفصل واقعه در باغ گلستان مشهور بکلاه فرنگی جلوس گردیده شاهزادگان خورشید افسر و امرای خاص دربار و علمای اعلام دارالملک و وزرای بوذرجمهر فطنت در مجلس حضور شرف اختصاص یافتند ، بعد از گذشتن ساعت تحویل و تهنیت علماء و فضلاء حضور سکه‌های سیمین و زرین و آنچه‌های نقره و طلائی مسکوک که بعرف این عهد شامی و اشرفی خوانند بهمه حضار تینماً و تبرکاً بدست مبارک مرحمت شد .

و در روز پنجمین در عمارت دیوانخانه دارالخلافه بر تخت مرمر خاص برآمده جلوس فرمود نخست باخبار امنای دولت و احضار امرای حضرت توبه‌های تنین‌تن که در میسدان ارك علی‌الرسم نهاده از برای شلنیک نوروزی آماده بود بیکبار بخروش و غرش درآمدند ، تزلزل در خاک سپهر برین در افکندند آنگاه در نوبت‌خانه شاهنشاهی نوبت زنان دوال بر طبل‌های رویین آشنا کردند و مطربان طرب‌انگیز بنواختن شهنای و سورنای و کرنای درآمدند . ملک‌زادگان حضور با خلعت‌های کشمیری



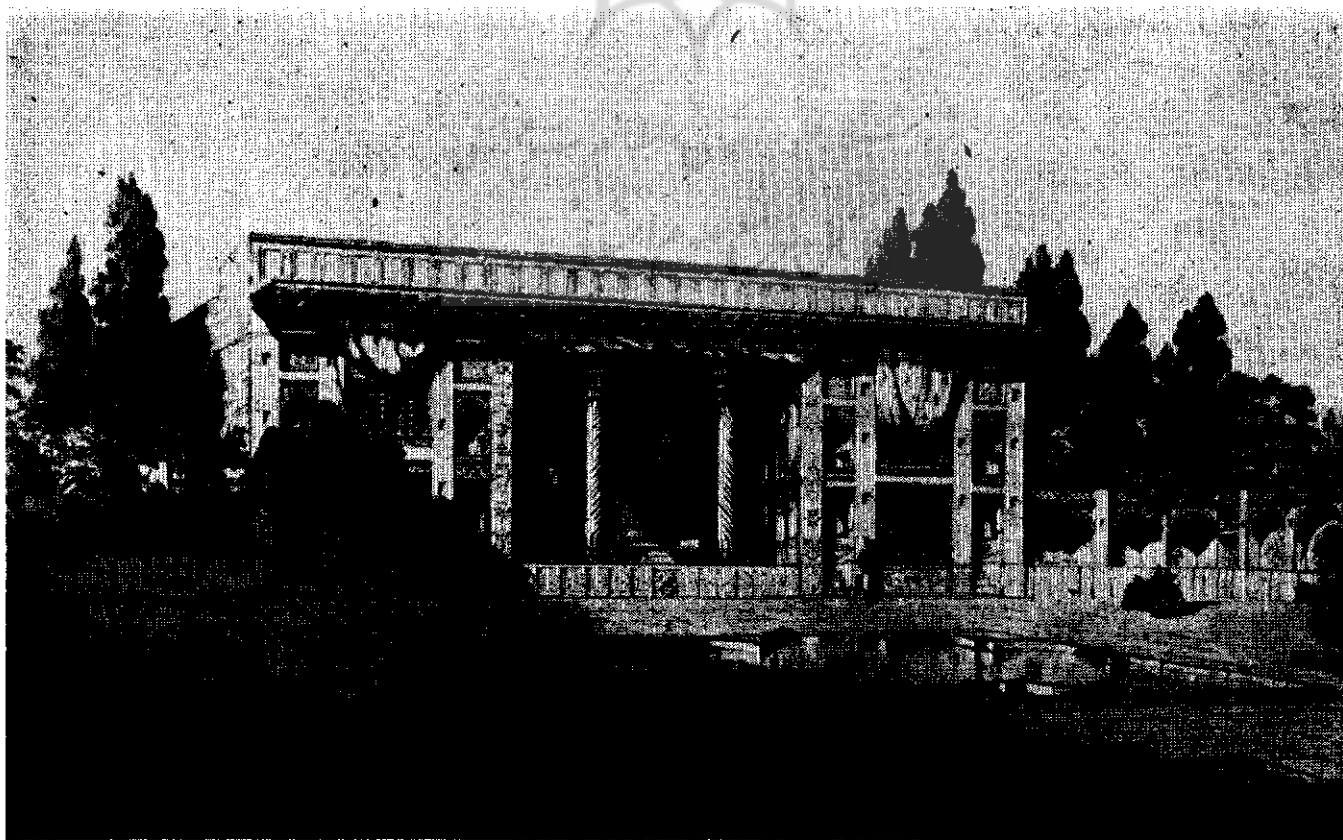
ایوان تخت مرمر و نمای داخلی آن در سال ۱۳۵۶ ه . ق - نقاشی فلانند

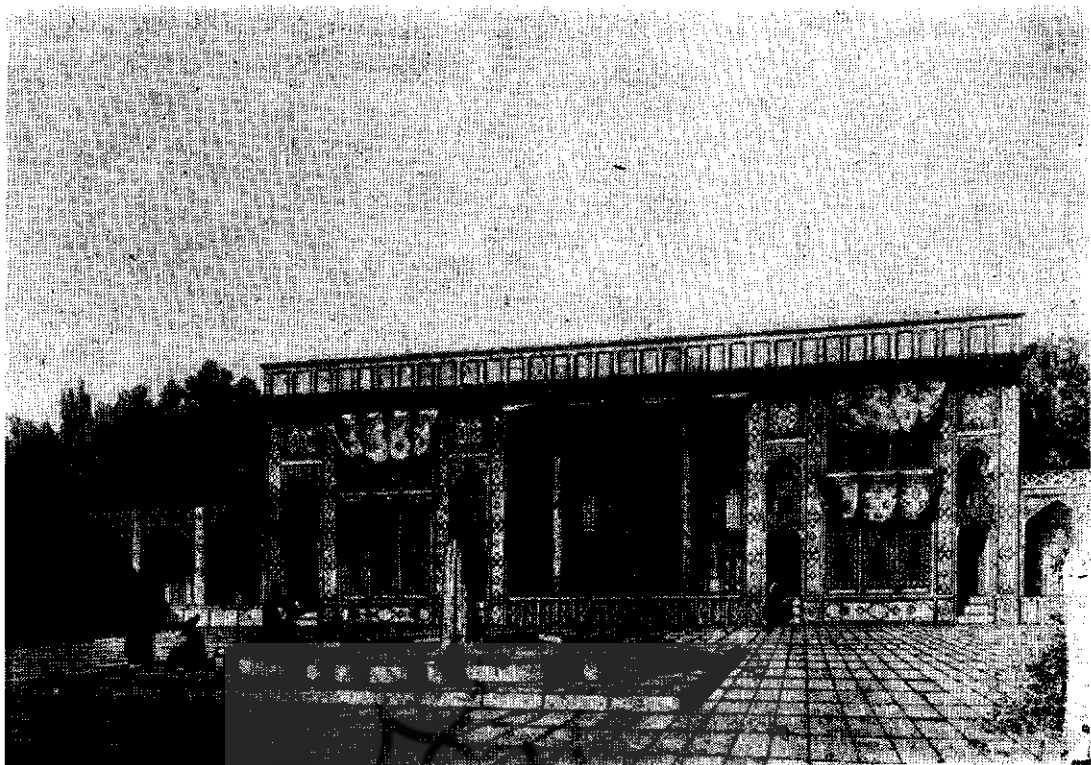
صردهای زر ده دهی وسکه‌های شاهنشهی کوه زر رویان را در آتش حسرت همی گذاخت . پنجاه تن از فرزندان زرین کمر مرصع خنجر مانند کواکب رخشان برگرد خورشید درخشان پره زده بودند و هر يك حامل یکی از ادوات مرصع و آلات مکمل خاصه گردیده سپر مرصع بی‌واقیت تابدار و لعل‌های آبدار در دست یکی چون چرخ پرنجوم متلالی بود ششپن زرین مکمل بلالی و الماس را هر پره بخراج هفت اقلیم برابری همی نمود ، از جواهر زواهر مخصوص که در اعیاد و ایام جلوس زیب پیکر مبارک میگشت یکی حمایل محبره مماثل و دیگری کمر شمشیر و خنجر مرصع بود که اندوخته کان و پرورده عمان بهای عشر عشیر گوهری از آن نمی گردید و بازوبند شاهنشاه ظفر مند را چهار قطعه الماس گرانبهای معروف که یکی را دریای نور و دیگری تاجماه و سیم نورالعین و چهارم را اورنگ زیبی از عهد ابوالملوک کیومرث پیشداد الی زماننا هذا پنجم نیامده بر بازوی توانای حضرت شاهنشاهی چون دریای نور و قرص قمر همی تابید . اکلیل مبارک که مشهور بکلاه کیانی است و مشتمل بر هشت ترک از گرزن پرویز بر مراتب رخشنده تر همی نمود و تخت خورشید رختش را از فخر پایه برفرق فرقدان همی سود » .

بقیه در شماره آینده

و چینی و شارهای رنگین و شمشیر و خنجرهای مرصع چندین جا زمین بوس کرده باطراف حوض جابجا ایستاده دم بر بستند و امنای دولت از وزراء و مستوفیان و امرا و صاحب منصبان ، ارباب سیف و قلم و اصحاب طب و علم با جلالت گودرزی و کفالت پیرانی شرفیاب حضور آمده ، ایلیچیان و لایات خارجه از روس و انگلیس و روم و مصر و خوارزم و بخارا و سند و هند هر يك در مقام خود قیام گریبند وزیر دول خارجه حاجی میرزا ابوالحسن خان بترجمانی هر يك پرداخته تهنیت عید سعید معروض داشتند و مبارک باد استماع کردند ، خطبای هبرزی خطبه‌های بلیغ خواندن گرفتند و شعرای رکاب قصیده‌های بدیعه معروض داشتند فیلان منکلسی که از هند و سند و کابل و قندهار و هرات و کشمیر پیایه سریر اعلی فرستاده بودند با هودجهای زرین و سیمین و پیلبانان هندی و سندی بدیوانخانه در آمده چنانکه تعلیم داده بودند پیلان با خراطیم و رؤس تعظیم و زمین بوس نموده در کنار حوض صفا وسط خیابان بیار میدند . فرستادگان حکام و سفیران بلاد از نزدیک و دور هر يك با عرایض و راه آورد و ارمغان و پیشکش خویش بتوسط نواب حاجب بار ، اشیک آقاسیان دربار بحضور شاهنشاه آمده نقد و جنس خود را عرضه کردند . بارگاه خسروی از الوان بدره‌های رنگارنگ چون کارگاه آزری و ارتنگ مانوی بود ولی فضای باغ از

ایوان تخت مرمر در سال ۱۳۵۶ ه. ق. نقاشی فلاندن





ایوان تخت مرمر در سال ۱۳۵۶ ه. ق - نقاشی فلاندن

گروهی از حاملین وصله‌های سلطنتی در زمان فتحعلی‌شاه

